

بانکداری اسلامی و تسهیم درآمد

جناب آقای دکتر پرویز عقیلی

استاد دانشگاه و مدیرعامل موسسه اعتباری کارآفرینان

چکیده

چون پس از پیروزی انقلاب اسلامی بانکهای کشور در ابتدا دولتی شده و سپس مشمول روش بانکداری اسلامی گردیدند، موضوع توزیع درآمد بین سهامداران (دولت) و سپرده گذاران آن طور که باید مورد توجه قرار نگرفته است. هر ساله بانکها سودی را که توسط بانک مرکزی تعیین می گردد به عنوان سود علی الحساب به سپرده گذاران پرداخت نموده و در پایان سال بدون در نظر گرفتن سودآوری هر یک از بانکها و تعیین «سهم سهامداران»، سود قطعی توسط بانک مرکزی تعیین و اعلام می گردد. عدم دستیابی به یک سود معقول و حداقل برابر با سود پرداختی به سپرده گذاران نیز خود مزید بر علت گردیده و پرداختن به موضوع را به تعویق انداخته است.

با توجه به قانون تاسیس بانکهای خصوصی که لازم است در چارچوب مقررات بانکداری اسلامی فعالیت نمایند، و امان نظر بر اساس تئوری ایجاد «بنگاههای اقتصادی» در مورد به حداکثر رساندن سودآوری مالکین بنگاه، ضرورت ایجاد می نماید که روشی بهینه جهت توزیع درآمد بین سهامداران بانکهای خصوصی و سپرده گذاران مد نظر قرار گیرد.

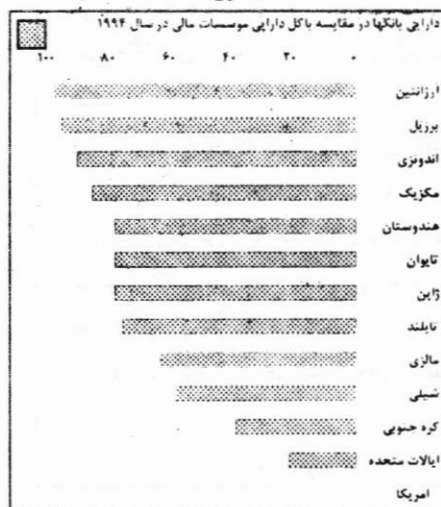
در این گزارش سعی شده روشی منطقی جهت بررسی بیشتر این مهم پیشنهاد گردد.

همانطور که در خلاصه گزارش آمده است، تسهیم درآمد برای بانکهای دولتی مفهومی نداشته چه سهام این بانکها متعلق به دولت است و تا به امروز این موسسات نتوانستند حداقل معادل هزینه بدهیها (سپرده) برای صاحبان سهام (دولت) به طور شفاف بازدهی ایجاد نمایند. به هر صورت با تاسیس بانکهای خصوصی و موسسات اعتباری موضوع تسهیم درآمد بین سپرده گذاران و سهامداران بانک یا موسسه جنبه جدی پیدا کرده است و لازم است راهحلی برای آن یافت.

در این گزارش ابتدا در مورد تئوری بنگاه اقتصادی صحبت می شود، سپس در مورد ترازنامه بانکهایی که به صورت عادی (در سایر کشورها) فعالیت می نمایند در مقایسه با بانکهای ماکه به روش اسلامی عمل می کنند و مقایسه ابزار به کار گرفته شده در این موسسات در مقایسه با ابزار شناخته شده در بازارهای بین المللی، سپس در مورد متوسط موزون هزینه بدهیها (سپردهها) در مقایسه با هزینه سرمایه، و سپس بازده مورد انتظار یک سهامدار بانک خصوصی یا موسسه اعتباری با توجه به نرخ مورد انتظار بر روی سرمایه گذاری در بازار سرمایه ایران بررسی می شود، و در آخر نحوه تسهیم درآمد بین سپرده گذاران و سهامداران بانک خصوصی یا موسسه اعتباری پیشنهاد خواهد شد.

قبل از اینکه وارد بحث اصلی شویم، لازم است دو جدول زیر را بررسی کنیم. اولی سطح بانگهای دولتی را در مقایسه با کل عملیات بانکی در تعدادی از کشورها نشان می دهد که خود نمودار تمرکز عملیات بانکی دولتی در ایران هست که حتی از کشور چین کمونیست بالاتر است. دوم نقش بانکها در بازار پول و سرمایه را نشان می دهد که ملاحظه می شود در آمریکا این درصد به حدود ۲۰ درصد در حال حاضر رسیده است (این رقم در دهه ۱۹۷۰ بیش از ۶۰ درصد بوده است). در این خصوص در بخش دیگری مجدداً صحبت خواهد شد.

جدول (۲)



جدول (۱)



۱- تئوری بنگاههای اقتصادی

وظیفه مدیریت هر بنگاه اقتصادی به حداکثر رساندن ارزش سهام سهامداران موسسه می‌باشد. موسسات مالی هم از این موضوع مستثنی نیستند با این تفاوت که نسبت به جامعه‌ای که در آن فعالیت می‌نمایند تعهدات بیشتری داشته و البته مشمول مقررات محدودکننده که توسط ارگان نظارت کننده بر آنها اعمال می‌شود، می‌باشند. به هر صورت در چارچوب مقررات ذکر شده سودآوری مهمترین وظیفه مدیریت موسسه مالی نیز می‌باشد.

با به حداکثر رساندن حقوق صاحبان سهام در دوره‌های متوالی، مدیریت موسسه می‌تواند ارزش سهام موسسه را به حداکثر برساند.

$$\text{Max } Z = \sum_i SE_i$$

در صورتی که فرض کنیم افزایش سرمایه طی دوره مورد نظر انجام نشود، مدیریت با به حداکثر رساندن سود سالانه (یا به حداکثر رساندن بازدهی روی دارائیها و به حداقل رساندن هزینه روی بدهیهای موسسه) ارزش حقوق صاحبان سهام و در نتیجه ارزش سهام را به حداکثر رسانده است.

$$\text{Max } Z = SE_0 + \sum_j b_{ij} z_j - F$$

در فرمول فوق SE_0 حقوق صاحبان سهام در سال صفر بوده، b_{ij} بازدهی دارائی j یا هزینه بدهی j طی دوره i را نشان می‌دهد و F هزینه‌های ثابت است.

۲- نگاهی به ترازنامه یک بانک استاندارد و یک بانک اسلامی

بانک معمولی / بانک اسلامی

| | | | |
|------------------------------------|-----|------------------------|-----|
| سپرده جاری/قرض الحسنه جاری | xxx | صندوق | xx |
| سپرده پس انداز/قرض الحسنه پس انداز | xx | سپرده قانونی | xx |
| سپرده مدت دار/سپرده سرمایه گذاری | xxx | اوراق قرضه دولتی/مشاکت | xx |
| سایر بدهیها | xx | تسهیلات/عقود | xxx |
| سرمایه | xx | دارائیهای ثابت | xx |
| اندوخته‌ها | xx | سایر دارائیها | xx |
| | xxx | جمع | xxx |

با بررسی ترازنامه فوق ملاحظه می‌شود که وجه تمایز دو سیستم در قسمت دارائیها، تسهیلات است و در قسمت بدهیها سپرده‌هاست خصوصاً سپرده سرمایه گذاری. در بانکداری استاندارد نرخ سود یا بهره قابل محاسبه بر روی تسهیلات، ثابت است ولی در بانکداری اسلامی قرار است این سود متغیر

باشد (با توجه به فعالیتی که سرمایه‌پذیر یا استفاده‌کننده از منابع بانک انجام می‌دهد). به همین ترتیب سود تعیین شده بر روی سپرده‌ها در بانکداری استاندارد ثابت است و در بانکداری اسلامی متغیر و تغییرات آن خود تابعی است از الف) نوع تسهیلات که بانک اعطاء می‌نماید و ب) کارآئی و صرفه‌جویی در هزینه‌های بانک، که نتیجه این دو سودآوری بانک و در نهایت تقسیم سود بین سپرده‌گذاران و سهامداران را سبب می‌شود که موضوع صحبت امروز است.

اگر بانکداری اسلامی به ترتیب مورد نظر پیاده شود یعنی دارائیهای با سود متغیر و بدهیهای با هزینه متغیر، نزدیکترین رکن بازار پول و سرمایه مشابه آنچه در اقتصادی پیشرفته فعالیت می‌نمایند، صندوقهای مشاع یا «میوچال فاندها» هستند که نوع سهم در هر دو طرف ترازنامه قرار می‌گیرد. این موسسات وجوهی را تجهیز می‌کنند و در مقابل برگ سهام خودشان را منتشر می‌نمایند. این موسسات منابع جمع‌آوری شده را به مصرف خرید سهام در بورس می‌رسانند. شخصی که برگ سهام موسسه را می‌خرد آگاه است که پرتفوی سهام موسسه بالا یا پائین می‌رود بنابراین ریسک دارد ولی مطمئناً در درازمدت از سود ثابت سپرده‌ها بیشتر است.

چنانکه در جدول (۲) ملاحظه شد، اگر بانکداری با نرخ سود ثابت از پیش تعیین شده غیراسلامی تلقی شود، اقتصاد امریکا نیز به طرف اسلامی شدن حرکت کرده است. چه در اواسط دهه هفتاد، دارائیهای بانکهای امریکائی نسبت به کل دارائیهای موسسات مالی حدود ۶۵ درصد بوده در صورتی که طبق صرفه‌جویی در هزینه‌های بانک، که نتیجه این دو سودآوری بانک و در نهایت تقسیم سود بین سپرده‌گذاران و سهامداران را سبب می‌شود که موضوع صحبت امروز است.

اگر بانکداری اسلامی به ترتیب مورد نظر پیاده شود یعنی دارائیهای با سود متغیر و بدهیهای با هزینه متغیر، نزدیکترین رکن بازار پول و سرمایه مشابه آنچه در اقتصادهای پیشرفته فعالیت می‌نمایند، صندوقهای مشاع یا میوچال فاندها هستند که نوعی سهم در هر دو طرف ترازنامه قرار می‌گیرد. این موسسات وجوهی را تجهیز می‌کنند و در مقابل برگ سهام خودشان را منتشر می‌نمایند. این موسسات منابع جمع‌آوری شده را به مصرف خرید سهام در بورس می‌رسانند. شخصی که برگ سهام موسسه را می‌خرد آگاه است که پرتفوی سهام موسسه بالا یا پائین می‌رود بنابراین ریسک دارد ولی مطمئناً در درازمدت از سود ثابت سپرده‌ها بیشتر است.

چنانچه در جدول (۲) ملاحظه شد، اگر بانکداری با نرخ سود ثابت از پیش تعیین شده غیراسلامی تلقی شود، اقتصاد امریکا نیز به طرف اسلامی شدن حرکت کرده است. چه در اواسط دهه هفتاد، دارائیهای بانکهای امریکائی نسبت به کل دارائیهای موسسات مالی حدود ۶۵ درصد بوده در صورتی که طبق جدول مذکور در اواسط دهه نود به حدود ۲۰ درصد رسیده است. بررسی دقیق‌ترین آمار نشان می‌دهد که میوچال فاندها (Mutual Funds) سهم عمده‌تری در بازار پول و سرمایه امریکا پیدا کرده و به عبارت دیگر یکی از ارکان بازار پول و سرمایه که دارای دارائیهای بدهیهای با سود متغیر

می‌باشد، نقش عمده‌تری را در بازار مالی ایفاء کرده است. بدیهی است که بانکها کار بانکی خود را انجام می‌دهند و شرائط و ضوابط تعیین شده برای بانکها متفاوت از ضوابط میوچال فاندتها است. حال اگر قرار باشد بانکها مانند میوچال فاندتها فعالیت نمایند و ضوابط و مقررات بانکی بر آنها تحمیل شود، ملاحظه می‌فرمایند که کار بانکی درستی انجام می‌شود و نه فعالیتی که میوچال فاندتها انجام می‌دهند.

۳- رابطه بین سپرده‌گذاران و سهامداران بانک

بهر صورت ما مکلف به اجرای قوانین هستیم بنابراین در چارچوبی که قانون و مقررات تعیین کرده است چطور باید عمل کرد؟ من در مورد قسمت راست ترازنامه یا سود متغیری که بانکها می‌توانند از مشتریهای خود دریافت کنند صحبتی ندارم چون اگر سودآوری تنها ملاک تصمیم‌گیری بود کلیه بانکها احتمالاً فقط در امور بازرگانی فعالیت می‌کردند. از طرف دیگر اگر توسعه اقتصادی کشور مد نظر بود و بانکها مکلف به اعطای تسهیلات زیربنائی می‌شدند، مطمئناً در طرحهائی وارد می‌شدند که نرخ بازدهی داخلی آنها از سود پرداختی به سپرده‌گذاران کمتر است، و به هیچ عنوان جوابگوی سپرده‌گذاران نخواهند بود چه رسد به سهامداران. به هر صورت صحبت اینجانب در مورد طرف چپ ترازنامه است و رابطه بین سپرده‌گذاران و سهامداران بانک.

متوسط هزینه بدهیها در سیستم بانکی:

| در ترازنامه | نسبت به سپرده‌ها | سود علی‌الحساب متوسط موزون | یا هزینه بانک |
|-------------|------------------|----------------------------|---------------|
| ۴۰٪ | ۴۴/۴٪ | ۰ | ۰٪ |
| ۱۰٪ | ۱۱/۱٪ | ۹٪ | ۰/۹۹٪ |
| ۲۰٪ | ۲۲/۲٪ | ۱۵٪ | ۳/۳۳٪ |
| ۲۰٪ | ۲۲/۲٪ | ۱۹٪ | ۴/۲۲٪ |
| ۹۰٪ | ۱۰۰/۰٪ | ۸/۵۴٪ | ۸/۵۴٪ |

۴- بازده مورد انتظار سهامدار (دولت یا بخش خصوصی)

۴-۱) سهامدار بخش عمومی یا دولت - در یک اقتصاد کارآ حتی دولتی، دولت این امکان و حق را دارد که منابع خود را در طرحهائی سرمایه‌گذاری نماید که بیشترین بازدهی را داشته باشد. در درازمدت این تصمیم‌گیری دولت به نفع ملت است چون منابع کشور به ترتیب بهینه استفاده می‌شود. بر این اساس اگر صنعت بانکداری برای مثال در مقایسه با صنعت پتروشیمی بازده مناسبی نداشته باشد، به نفع کشور است که دولت فقط برای ارائه خدمات بانکی یک بانک را حفظ و سایر بانکها را به مرور تعطیل کرده و احتمالاً منابعی که از این طریق حاصل می‌گردد را مثلاً در صنعت پتروشیمی با بازده بالاتر سرمایه‌گذاری نماید.

۴-۲) سهامدار بخش خصوصی - در بخش خصوصی یک سرمایه‌گذار این امکان و حق را دارد که وجوه خود را حداقل در بورس اوراق بهادار تهران سرمایه‌گذاری نماید. همانطوری که همگی اطلاع دارند، در حال حاضر بازده مورد انتظار در بورس اوراق بهادار حدود ۲۷ درصد در سال است (ضریب نسبت قیمت به درآمد یا P/E حدود ۳/۵ تا ۴ برابر یا ۳/۷۵ است که برابر با ۲۷ درصد در سال می‌شود).

۵- روش پیشنهادی برای بانکهای خصوصی:

با توجه به سودآوری بانک یا موسسه اعتباری خصوصی، ترتیب تقسیم سود به شرح زیر پیشنهاد می‌گردد:

۵-۱) پرداخت سود علی‌الحساب به سپرده‌گذاران مانند بهره به سپرده‌گذاران در سیستم بانکی معمولی دارای اولویت بوده و جزء هزینه‌های قابل قبول مالیاتی برای بانک یا موسسه اعتباری تلقی می‌شود. لذا این اقلام می‌بایست در درجه اول پرداخت گردد.

۵-۲) پس از کسر هزینه‌ها، تا زمانی که سود پرداختی به سهامداران برابر با بازده مورد انتظار سرمایه‌گذاران در بورس اوراق بهادار تهران نشده پرداخت دیگری به سپرده‌گذاران جایز نیست.

۵-۳) پس از پرداخت (۲-۵)، در صورتی که بانک سود مازاد داشته باشد، مبلغ مازاد به نسبت نرخ به کار گرفته شده در فوق بین سپرده‌گذاران و سهامداران تسهیم می‌گردد. به عبارت دیگر بر روی ۱۰۰ ریال سپرده ۸/۵۴ درصد به طور متوسط و بر روی ۱۰۰ ریال سرمایه ۲۷ درصد تخصیص می‌یابد، یا سود مازاد بانک به نسبت یک و ۳/۲ به ترتیب بین سپرده‌گذاران و سهامداران تقسیم می‌گردد.

۶- نکاتی که باید توجه شود:

۶-۱) نرخ مالیات - سود علی‌الحساب پرداختی توسط بانکها معاف از مالیات می‌باشد. سود پرداختی به سهامداران مشمول مالیات است. سود مازاد قابل پرداخت به سپرده‌گذاران آیا مشمول یا معاف از مالیات باید باشد؟

۶-۲) رابطه بین هزینه بدهیها (متوسط موزون بازده سپرده‌ها) و حداقل بازدهی مورد انتظار سهامداران در یک اقتصاد نیمه‌آزاد مانند اقتصاد ما قابل قبول است. البته صحیح‌تر می‌بود که نرخ پرداختی روی سپرده‌ها و نرخ دریافتی بابت تسهیلات آزاد می‌شد و بانک مرکزی تمرکز روی نرخ تورم و پائین آوردن آن می‌کرد. با پائین آمدن نرخ تورم نرخ سود علی‌الحساب پرداختی بانکها نیز پائین آمده و چون سرمایه‌گذاری در بورس اوراق بهادار تهران نسبتاً آزاد است قیمت سهام بالا کشیده و بازده سهام تقلیل می‌یابد و در نتیجه رابطه بین هزینه بدهیها و نرخ مورد انتظار سهامداران به یک نسبت پائین می‌آید.

۶-۳) همانطور که در بند ۲-۶ بیان شد، اصلح است که نرخ پرداختی روی سپرده‌ها و نرخ دریافتی بابت تسهیلات آزاد گردد تا وجوهی که خارج از سیستم بانکی به صورت غیررسمی ولی موازی سیستم بانکی عمل می‌کند کم‌کم جذب سیستم بانکی شود. در صورتی که بانک مرکزی رشد نقدینگی را محدود سازد مطمئناً برای مدت کوتاهی با افزایش نرخ سود پرداختی و دریافتی مواجه خواهیم بود ولی متعاقباً نرخها پائین آمده حتی از نرخهای فعلی (در صورتی که نرخ تورم هم پائین آمده باشد) پائین تر خواهد رفت. در این راستا به نظر اینجانب بانک مرکزی می‌تواند اجازه دهد که بانکها روی قرض الحسنه جاری و قرض الحسنه پس‌انداز و سپرده سرمایه‌گذاری به صورت روزانه سود پرداخت نمایند. توجیه اسلامی بودن این عمل کاملاً روشن است چون حداقل دوره سرمایه‌گذاری (یا اعطای تسهیلات) با توجه به اوراق مشارکت دولتی که به صورت روزانه سود می‌پردازد به حداقل ممکن یا روزانه تبدیل شده است بنابراین بانکها می‌توانند مازاد نقدی روزانه را در اوراق مشارکت سرمایه‌گذاری نمایند و لذا می‌توانند روی سپرده‌ها نیز به صورت روزانه سود پرداخت نمایند. تشکیل Money Market Funds در امریکا هم به علت امکان سرمایه‌گذاریهای کوتاه‌مدت به وجود آمد.

۶-۴) نکته مهم دیگری که باید ذکر شود استانداردهای حسابداری است که لازم است در مورد بانکها اعمال گردد. استاندارد مشابه و یکنواخت برای استهلاک، ذخیره‌گیری مطالبات مشکوک‌الوصول، حداقل سرمایه، روش ذخیره‌گیری برای عملیات زیرخطی و غیره به کار گرفته شود.